

# حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب)

عباس بشیری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودبار  
Abbas.bashiri@gmail.com

وحید شقاقی شهری

عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه پیام نور واحد شهریار  
vahidshaghghi@yahoo.com

می‌گردد»، مورد بررسی قرار بگیرد. در مجموع نتایج به‌دست آمده از برآورد الگوی رشد تاکیدی بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین اجزای مختلف شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه است.

حکمرانی خوب / فساد مالی / رشد اقتصادی / کشورهای

آسیای جنوب غربی / پانل دیتا

## چکیده

در تبیین عوامل و نظریه‌های رشد اقتصادی، بحث دخالت‌های دولت و حجم فعالیت‌های آن در اقتصاد موضوعی بسیار مهم تلقی می‌گردد و با گذر از نظریه «افزایش مداخله دولت در اقتصاد» به «حداقل دولت» طی دهه‌های گذشته، از اواسط سال ۱۹۹۰ بدلیل مزایای تحقق «حکمرانی خوب» در اقتصاد به‌ویژه در تسریع رشد اقتصادی و کاهش فساد، این نظریه مورد استقبال محافل علمی قرار گرفته است.

## مقدمه

از آغاز علم اقتصاد تاکنون، نظریات مختلفی برای نحوه اداره و مدیریت بخش دولتی و افزایش سطح رفاه برای شهروندان از سوی اندیشمندان و اقتصاددانان ارائه شده است. یکی از شناخته‌شده‌ترین این نظریات، پارادایم «مدیریت دولتی سنتی» [۱] است که بوروکراسی جزء لاینفک آن به‌شمار می‌آید. این پارادایم یا جریان فکری تا اوایل دهه ۱۹۸۰، پارادایم مطرح در حوزه مدیریت بخش دولتی بود. اما با ظاهرشدن ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، دره‌مین سال‌ها در کشورهای انگلیس و آمریکا، پارادایم دیگری به‌نام «مدیریت دولتی نوین» ایجاد شد که «خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت» را شعار اصلی خود قرار

بنابه اهمیت موضوع، در مقاله حاضر سعی گردید ضمن تبیین مکانیسم ارتباط حکمرانی خوب با کاهش فساد و بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی پانل برای نمونه کشورهای آسیای جنوب غربی، این پرسش «پیاده‌سازی بسته سیاستی حکمرانی خوب موجب رشد اقتصادی کشورها

داد. اما آمال و اهداف مدنظر این جریان فکری نیز در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای مبدع آن نیز مثمر واقع نشد و به زودی مشخص شد این پارادایم نیز قادر نیست خیر و رفاه مناسب و عادلانه‌ای برای شهروندان فراهم سازد. از این رو اندیشمندان مجدداً بدنبال طراحی پارادایم‌های دیگری رفتند که ظهور «خدمات عمومی نوین» [۲] و «حکمرانی خوب» [۳] از جمله آن‌هاست [۴].

بررسی عمقی از بحث گذر از «دولت بزرگ» به «حداقل دولت» و سپس «حکمرانی خوب» نشان می‌دهد که قبل از پایان جنگ جهانی دوم، تاحدودی دیدگاه کینزی که لزوم دخالت دولت را تجویز می‌کرد، در میان کشورها رواج داشت. اما پس از پایان جنگ جهانی به علت امر بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، توجهات محکم‌تری را برای افزایش دخالت دولت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کرد و نیز با توجه به تجربه‌های که در دوران رکود بزرگ اتفاق افتاد و نیز اندیشه کینز که درمان بیکاری و رکود را مداخله بیشتر دولت در اقتصاد می‌دانست، کشورهای در حال توسعه نیز مداخله دولت در سطوح مختلف از صنعت تا سطوح کلان و از سطح منطقه‌ای تا ملی را مجاز دانستند.

روند افزایش مداخله دولت در اقتصاد و پیامدهای منفی این گسترش موجب گردید که در اواخر دهه ۷۰ حداقل در جهان غرب مشکلات عدیده اقتصادی و ناکامی‌های مستمر سیاست‌های اقتصادی ایجاد شود که به تدریج زمینه را برای طرح انتقادات و شک و تردید نسبت به دخالت بی‌رویه دولت در اقتصاد ایجاد نمود و مقولاتی چون تعیین اندازه مناسب و بهینه دخالت دولت و تغییر نقش دولت به نظارت و هدایت اقتصاد به جای تصدی‌گری مطرح گردید. به این ترتیب، مجادلات نظری در محافل علمی نسبت به دخالت دولت و متقاعد شدن مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی و سیاسی کشورها نسبت به تخصیص غیربهبینه و ناکارآمد منابع تولید در اثر گسترش حجم دولت و بروز اختلافات در ابعاد مختلف اقتصادی نمایان شد که بار دیگر تئوری کلاسیک (حداقل دولت) توانست از تئوری رقیب پیشی بگیرد. سرانجام در پایان دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ در کشور

انگلستان و به دنبال آن بقیه کشورهای صنعتی و تا حدی کشورهای در حال توسعه بحث کوچک‌سازی دولت، سیاست خصوصی‌سازی و کاهش حجم دخالت دولت به منظور رفع اختلافات و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها مورد توجه جدی قرار گرفت. از این رو در کشورهای در حال توسعه و سوسیالیستی، زمینه کاهش دخالت دولت از یک سو و از طرف دیگر توسعه ورود بخش خصوصی به اقتصاد فراهم شد و به این ترتیب دوره دوم شروع و سیاست این دوره کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی اعلام گردید [۵].

با این حال، کوچک‌سازی دولت‌ها تا پایان دهه ۸۰ در دستور کار قرار گرفت، ولی مسایل و مشکلاتی که متعاقب نظریه «حداقل دولت» وجود داشت، موجب گردید از اواسط ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به رویکرد «دولت حداقل» شکل بگیرد و از پایان آن دهه، رویکرد «حکمرانی خوب» و مفهوم «مدیریت نوین دولتی» مورد استقبال گسترده قرار گرفت. همان محافل بین‌المللی مروج دولت حداقل، به تدریج به ترویج نظریه «حکمرانی خوب» با رویکرد دولتی نوین پرداختند که در این بین، نظریه‌پردازان و اقتصاددانانی همچون لوئیس گان، کریستوفر هود [۶]، داگلاس نورث [۷]، رونالد کروز و بیش از همه ژوزف استیگلیتز [۸] نقش مهمی در توسعه مفهوم این نظریه داشته‌اند [۹].

استیگلیتز در کنار دیگر اقتصاددانان نهادگرا از اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست‌های تعدیل اقتصادی را مورد انتقاد قرار داد و معتقد بود که تعامل سازنده دولت - بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد. در این مسیر آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است علاوه بر توانمندسازی بخش خصوصی، اعمال اصلاحات گسترده در حوزه دولت است. وی اشاره داشت که دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دونهاد رقیب. بنابراین به جای بحث از مداخله یا عدم مداخله دولت باید از کارایی و اثربخشی مداخله دولت سخن گفت. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست

در واقع تجربه ناکامی رویکردهای نادرست اتخاذ شده در اواخر دهه ۸۰ که برخصوصی‌سازی محض، بازارهای داخلی، مناقصه رقابتی، شاخص‌های عملکردی در سطح سازمان و تشویق عملکرد تأکید داشتند از یک سو و دیدگاه منفی بخش خصوصی به دولت که ناشی از نگرانی‌های برخاسته از فساد، سوءاستفاده از قدرت انحصاری و حقوق‌های بالای پرداختی به مدیران اجرایی و اعضای هیئت مدیره در بخش‌های دولتی بود، موجب گردید که دولت‌ها به این واقعیت تلخ اذعان کنند که نظریه «حداقل دولت» کفایت لازم را ندارد و نارضایتی‌ها و مشکلات به‌وجود آمده موجب می‌شود که همان اندک مشروعیت باقی‌مانده خود را نیز از دست بدهند، زیرا شهروندان و فعالان بخش خصوصی به‌طور چشمگیری اعتماد خود را نسبت به دولت در مفهوم عام و مقامات دولتی در مفهوم خاص از دست داده بودند. لذا به نوعی مفهوم تعدیل یافته «حداقل دولت» با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت‌ها، حاکمیت قانون و کاهش فساد و رانت تحت عنوان «حکمرانی خوب» شکل گرفت [۱۱].

با مروری اجمالی بر فرایند گذار از رویکرد «دولت بزرگ» به «حداقل دولت» و سپس «حکمرانی خوب»، ادامه مقاله به شکل زیر سازماندهی می‌گردد. در بخش دوم مقاله، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن تعریف و تبیین خواهد شد. مبانی نظری و تئوریک ارتباط حکمرانی خوب با توسعه از کانال فساد در بخش سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم، به مطالعات انجام‌گرفته درخصوص نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و توسعه اقتصادی اشاره می‌گردد و در بخش پنجم نیز براساس مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی ارتباط تجربی حکمرانی خوب و توسعه از کانال فساد در بین نمونه کشورهای منتخب پرداخته خواهد شد. در پایان نیز جمع‌بندی از کل مقاله به انضمام توصیه‌های سیاستی صورت خواهد گرفت.

## ۱. مفهوم حکمرانی خوب و شاخص‌های آن

ریشه مفهوم حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنی راهبری و هدایت کردن برمی‌گردد، واژه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه Gubernane تبدیل شد که در آن، حکمرانی دلالت بر «عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت» داشت [۱۲]. در فرهنگ لغت آکسفورد، حکمرانی به صورت «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان و ارکان نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است [۱۳].

در سال‌های اخیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و همچنین سازمان ملل متحد نیز از دریچه‌های مختلف به این مفهوم پرداخته‌اند. برنامه عمران سازمان ملل و تاحدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاست حکمرانی خوب را به عنوان کلید معماری توسعه برای اکثر کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته و درحال توسعه مطرح نموده‌اند. بر اساس تعریف سازمان ملل، «حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است». بر این اساس، سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را مشتمل بر سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی می‌داند که تعیین‌کننده نحوه اتخاذ تصمیمات دولتی و چگونگی و میزان اظهارنظر شهروندان در سیاستگذاری‌های کشور، کارایی اداره منابع و خدمات عمومی، جلوگیری از سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولتی، پاسخگویی کارگزاران دولت و چگونگی چاره‌اندیشی و رفع شکایات و تظلمات عموم مردم از سوی دولت است.

بانک جهانی هم در گزارشات خود حکمرانی خوب را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل است بر:

## ۲. تبیین نظری نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و رشد اقتصادی

به منظور بررسی و تبیین نقش الگوی حکمرانی خوب در کاهش فساد لازم است الگوی یادشده، ویژگی‌ها و ارتباطات متقابل بررسی گردد. حکمرانی با توجه به تعاریف نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و سازمان ملل متحد، الگوی تعادل‌کننده قدرت بین دولت و دو بخش خصوصی و مدنی، نظارت‌کننده رفتار دولت و شهروندان، شفاف‌کننده روابط طرفین، تسهیل‌کننده فعالیت‌های موجود جامعه و مشروعیت‌دهنده قدرت موجود در هر بخش است. بنابراین حکمرانی خوب با رویکردی هنجاری و ارزش‌مدارانه به تعریف رابطه دوسویه دولت با بخش خصوصی و مدنی می‌پردازد. مفهومی جدید از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرایندهای نوین اداره امور عمومی اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می‌نماید و روش جدیدی برای اداره جامعه ارائه می‌کند.

حال با اشاره به چنین مفهومی از حکمرانی خوب، به تبیین نظری و تئوریک ارتباط و نقش حکمرانی خوب و سیاست‌ها و راهبردهای مرتبط با پیاده‌سازی آن در کاهش فساد و متعاقباً رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. برای این منظور نیز ابتدا لازم است نگاهی گذار به سیاست‌های تحقق حکمرانی خوب بشود تا اثرات این سیاست‌ها و راهبردها در کاهش فساد و متعاقباً رشد اقتصادی به تصویر کشیده شود.

براساس تعاریف صورت گرفته از حکمرانی خوب، راهبردها و سیاست‌های ذیل در ارتقای جایگاه کشور از منظر حکمرانی خوب مدنظر قرار می‌گیرند [۲۲]:

- بهبود سیاست‌های اقتصادی: انحصارزدایی، مقررات‌زدایی، آزادسازی، خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری.
- تقویت جامعه مدنی.
- اصلاح، مدیریت، تثبیت و انضباط سیاست‌های مالی.
- اصلاح و تقویت استقلال دستگاه قضایی.
- اصلاحات و ثبات سیاسی و تقویت نقش و جایگاه احزاب سیاسی.
- اصلاحات اداری.

الف- فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند.

ب- ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست.

ج- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند [۱۴].

با توجه به تعاریف صورت گرفته توسط سازمان ملل متحد و بانک جهانی از حکمرانی خوب، سازمان ملل ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند که توجه و تاکید آن بر تامین حقوق شهروندی و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری و اجرای آن است. این شاخص‌ها عبارتند از:

اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت. همچنین، مطالعه‌ای که با هدف اندازه‌گیری وضعیت حکمرانی در ۱۷۷ کشور جهان توسط بانک جهانی صورت گرفته است، شش ویژگی و شاخص ذیل برای سنجش یادشده به کار گرفته شده است:

- شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی [۱۵]: که در آن بر مشارکت مردم در امور عمومی و پاسخ‌دهی مسئولان به مردم تاکید شده است.

- شاخص اثربخشی دولت [۱۶]: که میزان کارآمدی و دستیابی به اهداف دولت در انجام وظایف محوله تاکید دارد.

- شاخص کیفیت قوانین و مقررات [۱۷]: که منظور میزان حذف مقررات اضافی و دست و پاگیر و کاهش هزینه‌های ناشی از آن می‌باشد.

- شاخص حاکمیت قانون [۱۸] (قانونمداری)

- شاخص کنترل فساد [۱۹]

- شاخص ثبات سیاسی [۲۰]

در واقع شاخص‌های فوق از دید بانک جهانی ملاک سنجش حکمرانی در یک کشور خواهد بود. به این معنا که به هر میزان در یک کشور دولت پاسخگوتر و کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های آن کمتر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود حکمرانی خوب‌تر است [۲۱].

با توجه به راهبردها و سیاست‌های فوق‌الذکر که برای بهبود شاخص حکمرانی خوب کشورها اجرا می‌گردد، به تاثیر اجرای هریک از راهبردها و سیاست‌ها در کاهش فساد اشاره می‌گردد. همانگونه که نتایج اکثر بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از سرچشمه‌های اصلی فساد به‌ویژه در سطوح مدیریت ارشد، انحصار و رانت و تمرکز قدرت در دست افرادی است که از نفوذ سیاسی خود در دولت برای کسب منافع اقتصادی شخصی استفاده می‌کنند. فسادهایی مانند گریز مالیاتی، کسب مجوزها و امتیازات، حساب‌های غیرشفاف و قاچاق و نظایر اینها به دلیل ضعف و عدم سلامت نظام و ساختارهای اقتصادی است. لذا تجربیات جهانی نشان داده است که اقداماتی از قبیل تثبیت کلان اقتصادی، انحصارزدایی، مقررات‌زدایی، مقابله با پولشویی، تصفیه دارایی‌ها و ارتقای رقابت‌پذیری از جمله راهکارهای اقتصادی کاهش و مقابله با فساد است که با تلاش حکومت‌ها در پیاده‌سازی و ارتقای حکمرانی خوب عملی شده و متعاقباً موجب کاهش فساد نیز خواهد شد [۲۳].

حقوق و آزادی‌های مدنی و مشارکت و لحاظ نمودن نظرات همه افراد در تصمیم‌گیری‌ها و دخالت دادن نظرات آن‌ها در تصمیمات، سیاست دیگری است که برای تحقق حکمرانی خوب اتخاذ می‌گردد. تحقیقات انجام شده توسط میدری و خیرخواهان (۱۳۸۳) و کافمن [۲۴] (۱۹۹۸) و سایر محققان این حوزه نشان می‌دهد که این حقوق سیاسی شامل انتخاب مردم سالار، قانون‌گذاری، تعدد احزاب با سلايق مختلف و آزادی‌های مدنی مانند رسانه‌های گروهی آزاد و مستقل، آزادی بیان و تشکیل اجتماع با کنترل و کاهش فساد و رشوه همبستگی منفی وجود دارد. لذا می‌توان ادعان نمود که با تقویت جامعه مدنی و حقوق سیاسی که از راهبردهای بهبود حکمرانی خوب است، سطح فساد کاهش خواهد یافت.

از دیگر راهبردهای ارتقای حکمرانی خوب افزایش اثربخشی و استقلال دستگاه قضایی است. حفظ حقوق افراد و فعالیت‌های بخش خصوصی در مقابل نهادهای حاکمیتی، حفظ مالکیت معنوی و دارایی‌ها، بسترسازی برای تامین امنیت روانی سرمایه‌گذاری، تقویت حفظ حقوق شهروندی و حقوق بشر و

برقراری عدالت و تحقق جامعه‌ای به دور از تبعیض و نابرابری‌ها از الزامات اصلاح دستگاه قضایی است که به منظور بهبود معیارهای حکمرانی خوب باید پیگیری و تحقق یابد. همانطوریکه ملاحظه می‌گردد تمام اقدامات انجام گرفته در راستای استقلال و اقتدار دستگاه قضایی در کاهش فساد و رانت و تبعیض‌ها و استقرار عدالت اثرگذار می‌باشد و به تبع این اقدامات، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری لازم برقرار می‌گردد که یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است.

اصلاحات اداری و مدیریت مالی و ارتقای کارآمدی نظام اداری در راستای استقرار نظام شایسته سالاری، شفاف‌سازی بودجه و هزینه‌های مالی و مخارج و تمرکززدایی قدرت و هزینه‌های توزیعی نیز طبیعتاً عوامل بازدارنده فساد قلمداد می‌گردند که بخشی از این اقدامات به‌صورت مستقیم و برخی به‌صورت غیرمستقیم منجر به توسعه اقتصادی خواهد شد.

به‌صورت خلاصه فرآیند و الگوی اثرگذاری پیاده‌سازی حکمرانی خوب در کاهش فساد و توسعه اقتصادی به شرح زیر قابل تبیین است که به‌صورت تفصیلی در جدول (۱) آورده شده است [۲۵].



## جدول ۱- الگوی تبیین ارتباط حکمرانی خوب با کاهش فساد و رشد اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی	علل بازدارندگی (کاهش) فساد	شاخص‌ها و راهبردهای بهبود حکمرانی
<p>ذیل بند ۱ کاهش فساد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- توسعه خصوصی سازی</li> <li>- جلوگیری از فرار مالیاتی</li> <li>- تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی</li> <li>- بهبود نظام رقابت پذیری</li> <li>- ارتقای بهره‌وری و کارایی</li> <li>- اصلاح نظام گمرکی و بهبود سیستم بازرگانی و تجاری</li> </ul>	<p>ذیل بند ۱ بهبود حکمرانی خوب:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و کارکنان دولتی</li> <li>- اصلاح و شفافیت نظام مالیاتی</li> <li>- رفع محدودیت‌ها و انحصارات تجاری</li> <li>- کاهش مالکیت و حجم دخالت دولت در امور اقتصادی</li> </ul>	<p>۱- بهبود سیاستهای اقتصادی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- مقررات زدایی و آزادی ورود و رقابت</li> <li>- ساده‌سازی قوانین</li> <li>- کاهش نرخ مالیاتی</li> <li>- ریشه کنی تبعیض علیه بخش خصوصی</li> <li>- محدودیت دولت در دخالت امور اقتصادی</li> </ul> <p>۲- اصلاحات اداری و مدیریت مالی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- تمرکززدایی</li> <li>- نظام شایسته سالاری</li> <li>- ایجاد دولت الکترونیک</li> <li>- اصلاح مناقصات دولتی</li> <li>- حساسی بخش مالی</li> <li>- نظارت منظم بر نظام بودجه ریزی</li> <li>- ارزیابی عملکردها</li> </ul> <p>۳- اصلاح قضایی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- استقلال دستگاه قضایی</li> <li>- توسعه نهادهای مدنی</li> <li>- تقویت، شفافیت و ضابطه مندی استخدام‌ها</li> <li>- کاهش تصرف قانونی - قضایی</li> </ul> <p>۴- تقویت جامعه مدنی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- آزادی نشر و مطبوعات</li> <li>- گسترش سازمانهای غیردولتی</li> <li>- مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت</li> <li>- تقویت احزاب</li> </ul> <p>۵- اصلاحات سیاسی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- برخورد با گروه‌های هم سود و تصرف دولت</li> <li>- اصلاحات احزاب سیاسی</li> <li>- پاسخگویی رهبری سیاسی و پارلمانی</li> </ul>
<p>ذیل بند ۲ کاهش فساد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتقای کارآمدی نظام اداری</li> <li>- بهبود خدمات عمومی دولتی</li> <li>- مصرف و توزیع بهینه منابع مالی و جلوگیری از اتلاف منابع هزینه ای</li> <li>- افزایش کیفیت زیرساخت‌ها</li> </ul>	<p>ذیل بند ۲ بهبود حکمرانی خوب:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- بهبود پاسخگویی بخش دولتی</li> <li>- ارتقای اثربخشی روشهای نظارت و بازرسی</li> <li>- افزایش شفافیت معاملات مالی دولتی</li> <li>- هدفمندی در مصرف و توزیع منابع مالی</li> </ul>	
<p>ذیل بند ۳ و ۴ و ۵ کاهش فساد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- حفظ مالکیت دارایی‌ها</li> <li>- ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و اقتصادی</li> <li>- کاهش رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی</li> </ul>	<p>ذیل بند ۳ و ۴ و ۵ بهبود حکمرانی خوب:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- توسعه نظارت‌های همگانی و مردم نهاد</li> <li>- اعتماد عمومی به دستگاه قضایی</li> <li>- افزایش پاسخگویی و شفافیت دستگاه قضایی</li> <li>- شفافیت در اطلاع رسانی مفاسد اقتصادی</li> <li>- کاهش روابط آشنابازی در نصب و عزل‌ها</li> <li>- ترویج معیارهای اخلاقی</li> <li>- نظارت‌های احزاب بر عملکرد دولت‌ها</li> <li>- بهبود حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی</li> <li>- کاهش رانت‌های اطلاعاتی و سیاسی</li> </ul>	

### ۳. مطالعات تجربی حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی

سایر شیوه‌های تخصیص منابع دارد. با این حال، در دوره سوم برتری بازار مشروط به وجود دست‌هدایت‌گر و راهبری توسط دولت است. در دوره نخست، دولت عامل توسعه و در دوره دوم، مانع توسعه محسوب می‌شد. با اینحال، در دوره سوم دولت ذاتاً نه مانع توسعه و نه عامل آن است. سیاستگذاری کشورها در علم اقتصاد توسعه بیانگر این واقعیت است که رفتار و ماهیت دولت‌ها بسیار متفاوت بوده و کلید توسعه اقتصادی تغییر رفتار دولت است به‌گونه‌ای که به حکمرانی خوب منتهی می‌شود [۲۶]. در مسیر تغییر نقش و کارکرد دولت‌ها، با کاهش حجم و فعالیت‌های اقتصادی دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی و اتخاذ رویکرد بازارمحور به جای دولت محور، حجم و میزان انحصارات، رانت‌ها، تباری‌ها و

مطالعات و ادبیات تئوریک توسعه اقتصادی به لحاظ نگاه آن‌ها به نقش و گستره وظایف دولت به سه دوره کلی قابل تقسیم است. تفکر غالب در دوره نخست، دولت بزرگ و در دوره دوم دولت حداقل و در دوره سوم، حکمرانی خوب بوده است. لذا مقایسه تفاوت‌ها و تشابهات این سه دوره می‌تواند تصویر روشن‌تری از نظریه حکمرانی خوب و اهمیت آن ارائه دهد. مروری بر مطالعات انجام گرفته در خصوص تفاوت دوره‌های مختلف توسعه مبنی بر نقش و کارکرد دولت‌ها نشان از این دارد که دوره دوم و سوم بر خلاف دوره اول اعتقاد به برتری بازار بر

سوءاستفاده مقامات و ماموران دولتی کاهش می‌یابد و با شکستن انحصارات و رانت‌ها، ریشه‌های فساد از بین می‌رود [۲۷]. لذا با حرکت از دوره نخست به دوره دوم (حداقل دولت) و سپس دوره سوم (حکمرانی خوب)، مقوله‌هایی نظیر آزادسازی، رقابت پذیری، خصوصی‌سازی و کاهش انحصارات و رانت‌های دولتی به مرور مورد توجه قرار می‌گیرند و ایجاد و توسعه نهادهای مدنی و مردمی، شفافیت و استقلال رسانه‌های جمعی و مقابله با انحصارات و فساد در کنار توسعه و بهبود سیاست‌های اقتصادی و اداری از نتایج و محصولات دوره سوم به‌شمار می‌رود.

ملاحظه می‌گردد که در دوره نخست، گسترش مالکیت و شرکت‌های دولتی سیاستی مهم برای جبران عقب‌ماندگی‌ها محسوب شد که پیامد آن افزایش حجم فعالیت‌های دولتی، کاهش کارایی و بهره‌وری، افت تولید و افزایش انحصارات بود. لذا برای مقابله با چنین مشکلات و معضلاتی، در دوره دوم واگذاری شرکت‌های دولتی برای بهبود عملکرد اقتصادی یک ضرورت تلقی گردید. با این حال، در دوره سوم، خصوصی‌سازی به صورت مشروط و نه به معنی رهاسازی اقتصاد پذیرفته می‌شود و مطالعات انجام گرفته نیز نشان می‌دهد که در دوره دوم، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در شرایط و فضای انحصاری، عملکرد شرکت‌ها و مجموعه اقتصاد کلان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته بود، به گونه‌ای که بسته اصلاحاتی که تحت عنوان «اجماع واشنگتنی» برای کشورهای آمریکای لاتین پیشنهاد گردید راه‌گرای از شکست خصوصی‌سازی را در این کشورها بازگشت به انضباط بودجه‌ای، اصلاح نظام مالیاتی، آزادسازی‌های تجاری و نرخ بهره، ایجاد نرخ ارز رقابتی، مقررات‌زدایی، تضمین حقوق مالکیت و بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عنوان می‌کند و اشاره می‌نماید که دقت در فرآیند و شیوه‌های خصوصی‌سازی بسیار حائز اهمیت است و موفقیت متضمن پیاده‌سازی اصلاحات فوق‌الذکر است [۲۸].

از این رو در دوره سوم، ایجاد رقابت مقدم بر خصوصی‌سازی عنوان می‌گردد و دولت برای کاهش مشکلات ناشی از خصوصی‌سازی، تسهیل شرایط ورود بخش خصوصی و بهبود محیط کسب و کار و ایجاد فضای رقابت پذیری را افزایش داده و

سپس مالکیت شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی منتقل می‌سازد. برخلاف دوره دوم، طرفداران نظریه حکمرانی خوب بر پیامدهای نامطلوب آزادسازی مالی تأکید دارند و شرط آزادسازی مالی موفق را قدرت دولت در نظارت بر مؤسسات مالی خصوصی می‌دانند. اگر دولتی فاقد قدرت تنظیم‌گری و نظارت اثربخش باشد، آزادسازی مالی به بحران و ورشکستگی اقتصادی می‌انجامد. در دوره سوم مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای توانمندسازی دولت پیشنهاد می‌گردند. کوچک‌سازی دولت در برخی از موارد یکی از شیوه‌های توانمندسازی دولت است. با این حال، در کنار کوچک‌سازی دولت، تحقق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای مهم‌ترین راهکارهای توانمندسازی دولت هستند. اگر خصوصی‌سازی به دلیل فقدان رقابت با ناتوانی دولت در تنظیم بازار غیررقابتی به نتایج نامطلوب بیانجامد، دولت باید با بکارگیری سیاست‌های مختلف، عملکرد شرکت‌های دولتی را بهبود بخشد. در دوره دوم از این مسأله - یعنی چگونگی بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی و خصوصی - غفلت می‌شد، اما در دوره سوم یکی از مسائل اصلی سیاستگذاری به حساب آمده است. در مجموع باید اشاره داشت که در دوره سوم تنها هدف دستیابی به رشد اقتصادی نبوده و هدف تحقق توسعه پایدار بوده است و توسعه پایدار نیز در صورتی تحقق می‌یابد که مردم‌سالاری، توسعه نهادهای مدنی، عدالت اجتماعی و اقتصادی و حفظ محیط زیست توأمان دنبال شوند [۲۹].

همچنین نتایج مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که فرآیند خصوصی‌سازی در کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم کاملاً باهم متفاوت است و برخلاف کشورهای جهان سوم، در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نهادهای سازمان یافته بازار آزاد نظیر نهادهای مدنی، نظارتی و قانونی، بازار سهام و بانک‌های سرمایه‌گذاری به صورت گسترده فعال بوده و عامل موفقیت و اجرای سریع و صحیح واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی بودند. به همین دلیل نارضایتی نسبت به مشکلات پیش‌آمده در فرآیند خصوصی‌سازی در برخی از کشورها، بحران‌های مالی دهه هشتاد و نود میلادی و عملکرد اقتصادی

داخلی و خارجی، سرمایه‌های انسانی و تغییرات جمعیتی به عنوان متغیرهای مستقل کنترلی در کنار شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده شود که مدل تصریحی رشد با لحاظ متغیرهای کنترل و اصلی به صورت زیر است:

$$y_{it} = \alpha_i + \beta_i g_{it} + \gamma_i v_{it} + e_{it}$$

$$y_{it} = \alpha_i + \beta_i (\text{voice, polstab, goveffect, regulatory, rulelaw, controlcorruption}) + \gamma_i v_{it} + e_{it}$$

که در آن:

$y_{it}$ : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (شاخص رشد اقتصادی)

$g_{it}$ : برداری از شاخصهای حکمرانی خوب

لازم به ذکر است شاخص‌های حکمرانی منتشر شده توسط

بانک جهانی برای کشورهای مختلف بر اساس مفاهیم زیر تهیه

شده است:

(۱) پاسخ‌گویی (Voice and Accountability)

(۲) ثبات سیاسی (Political stability)

(۳) کارآمدی حکومت (Government Effectiveness)

(۴) کیفیت قانونگزاری (Regulatory Quality)

(۵) حاکمیت قانون (Rule of law)

(۶) کنترل فساد (Control of Corruption)

$v_{it}$ : برداری از سایر متغیرهای کلان اقتصادی اثرگذار بر رشد

است.

$e_{it}$ : جزء خطاست

در رابطه فوق،  $t$  نشان‌دهنده زمان و  $i$  بیانگر کشورها

می‌باشد. متغیر وابسته تحقیق ( $y_{it}$ ): نرخ رشد تولید ناخالص

داخلی کشورها) است که وضعیت رشد اقتصادی کشورها را به

تصویر می‌کشد. شرح و توضیح متغیرهای مستقل (اعم از

شاخص‌های حکمرانی خوب و سایر متغیرهای مستقل) ملحوظ

در تابع رشد اقتصادی به صورت زیر می‌باشند:

#### الف- نماگرهای حکمرانی خوب

پاسخگویی (*voice*): این شاخص بیانگر شرایط سیاسی حاکم

به‌ویژه بر احزاب و نهادهای مدنی و وضعیت حقوق بشر و حقوق

شهروندی در کشورها است.

کشورهای بلوک شرق، زمینه‌الگوی حکمرانی خوب را فراهم ساخت. این الگو راهکار توسعه را نه دولت بزرگ و نه دولت حداقل، بلکه دولت خوب می‌داند؛ به عبارت دیگر مداخله کم یا زیاد دولت مشکل توسعه را حل نمی‌کند بلکه کیفیت دولت و نهادسازی‌ها در بازار آزاد مسئله اصلی است [۳۰].

در خصوص موثرترین مطالعات انجام گرفته درباره ارتباط بین

فساد مالی، حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی می‌توان به

پژوهش‌های داخلی انجام گرفته توسط رهبر و همکاران (۱۳۸۱)،

قلی‌پور (۱۳۸۴)، و میدری و خیرخواهان (۱۳۸۳) و مطالعات

خارجی نظیر مائورو [۳۱] (۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲)، داوودی و

تانزی [۳۲] (۱۹۹۷)، باردان [۳۳] (۱۹۹۷)، تانزی [۳۴] (۱۹۹۸)،

کافمن و کری [۳۵] (۲۰۰۲)، ناک [۳۶] (۲۰۰۲) اشاره نمود که

در این تحقیقات به صورت نظری و تجربی به ارتباط بین این

مقوله‌ها پرداخته شده و نتایج مطالعات فوق‌الذکر در مجموع نشان

می‌دهند که یک رابطه مستقیم بین فساد مالی و رشد وجود دارد

و بالاتر بودن فساد مالی از راه‌های مختلف نظیر ایجاد مانع

فراروی جذب سرمایه‌ها اعم از داخلی و خارجی، افزایش

نابرابری‌های درآمدی، اختلال در روند کار بازار و تخصیص منابع،

افزایش رانت‌ها و از بین رفتن انگیزه‌ها، کاهش یا اختلال نقش

دولت، کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری دولتی در ساختارهای

زیربنایی، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. همچنین اجرای

سیاست‌ها و راهبردهای حکمرانی خوب در کنار کاهش فساد،

انحصارات و رانت‌ها در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورها

تاثیر بسزایی دارد و شاخص‌های حکمرانی خوب علاوه بر رشد

سرانه بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند فقر و نابرابری،

سرمایه‌گذاری و کسری بودجه بسیار تاثیرگذار می‌باشند.

## ۴- معرفی الگو، داده‌ها، تخمین و تفسیر نتایج

### ۴-۱- معرفی الگو و داده‌های تخمین

با توجه به ادبیات نظری و تجربی موجود و به منظور تصریح

مدل رشد اقتصادی و برآورد نحوه و میزان اثرگذاری عوامل

حکمرانی خوب بر رشد کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی به

روش پانل سعی گردید از عواملی نظیر حجم سرمایه‌گذاری



$fdi - gdp$ : نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (ورودی) به تولید ملی

$schooling$ : نرخ باسوادی در جامعه

$popgrowth$ : نرخ رشد سالانه جمعیت

اطلاعات و داده‌های مورد استفاده در این مقاله برای مجموعه کشورهای آسیای جنوب غربی (کشورهای سند چشم‌انداز) [۴۰] طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶، از سایت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی *Sesrtic*، گزارش‌های سالانه آنکتاد *UNCTAD* در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی *FDI* (*World Investment Report*) و منابع آماری *WDI* و *IFS* جمع‌آوری گردید.

#### ۲-۴. تخمین و تفسیر نتایج الگو

به منظور تخمین مدل لازم است تا ضمن آزمون ریشه واحد متغیرها و همگرایی مدل، نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. بنابراین، ابتدا آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مستقل و وابسته انجام شد که براساس نتایج آماره‌های لوین - لین و نیز ایم - پسران و شین؛ مانا می‌باشند. پس از بررسی مانایی متغیرها، برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره  $F$  استفاده شد. آماره محاسبه شده با درجات آزادی ۲۱ و ۲۱۲ برابر ۶/۲۵ به دست آمد که نتیجه دال بر رد فرضیه صفر (یعنی حداقل مربعات معمولی) بود. سپس، برای آزمون اینکه مدل رشد با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن (*Hausman Test*) استفاده شد که نتیجه این آماره (۱۸/۵۴ با احتمال ۰/۰۰۹۷) معنی دار نبود. به همین منظور نیز روش اثرات ثابت برای تخمین مدل رشد تایید گردید. براساس آماره  $F$  و هاسمن که دال بر استفاده از روش اثرات ثابت در برآورد بودند، به بررسی همگرایی (هم انباشتگی) متغیرها پرداخته شد که آزمون ریشه واحد پسماند مدل نشان از همگرایی (هم انباشتگی) مدل داشت. سپس مدل برآورد شد که نتایج برآورد مدل به صورت زیر (جدول ۲) گزارش می‌شود:

ثبات سیاسی (*polstab*): این شاخص احتمال خشونت و نبردهای قومی و قبیله‌ای یا تغییر دولت، از جمله احتمال بروز حملات تروریستی، و نیز وقوع جنگ و بحران‌های فراروی کشورها را که تابعی از شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای است به تصویر می‌کشد.

کارآمدی حکومت (*goveffect*): این شاخص میزان کفایت بروکراسی و کیفیت ارائه خدمات عمومی و دولتی و همچنین سیاست‌های ضد بازار اتخاذ شده از سوی دولت را نشان می‌دهد. کیفیت قانونگذاری (*regulatory*): تعدد قوانین و مقررات و عدم ثبات و تغییرات مداوم و عدم پایداری به اجرای آن‌ها و عدم پوشش یا نقص قوانین موجود بیانگر کیفیت قانونگذاری است.

حاکمیت قانون (*rulelaw*): این شاخص از اندازه‌گیری کیفیت پلیس، دادگاه‌ها، قراردادهای و تعهدات به قوانین و مقررات موضوعه به دست می‌آید.

کنترل و مقابله با فساد (*controlcorruption*): از اندازه‌گیری میزان استفاده مقامات دولتی از امتیازات و امکانات دولتی برای منافع شخصی در سطح خرد و کلان حاصل می‌گردد.

#### ب- سایر متغیرهای مستقل اثرگذار بر رشد اقتصادی

نگاهی بر سابقه تحقیقات مرتبط با علل رشد اقتصادی نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری و انباشت ثروت به عنوان یکی از مولفه‌های اثرگذار در متون و ادبیات اولیه رشد اشاره شده [۳۷] و سپس با مطالعات بیشتر، عامل نیروی انسانی و تغییرات جمعیتی و در مرحله بعدی، سرمایه انسانی و نیروی کار دانش‌مدار به عنوان متغیرهای مهم در الگوهای رشد معرفی شده‌اند [۳۸]. همچنین مطالعاتی نیز بر جذب سرمایه‌های خارجی و همگرایی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان عوامل مهم رشد اقتصادی کشورها متمرکز گردیده‌اند [۳۹]. با توجه به علل اثرگذار بر رشد، عوامل زیر در مدل تصریحی فوق الذکر به عنوان متغیرهای اقتصادی کنترلی لحاظ شده‌اند:

$inv\_gdp$ : نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به تولید ملی

## جدول ۲- نتایج تخمین متغیر وابسته: نرخ رشد

### سالانه تولید ناخالص داخلی

متغیرهای توضیحی	روش برآورد: حداقل مربعات پوینگ
<i>inv_gdp</i> : سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به تولید ملی	۰/۱۸ (۱/۱۹)
<i>fdi - gdp</i> : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ملی	۰/۲۳ (۱/۸۷)
<i>corrupt</i> : شاخص کنترل فساد	۰/۶۵ (۳/۲۴)
<i>pobstab</i> : ثبات سیاسی	۵/۳۸ (۲/۰۷)
<i>goveffect</i> : کارآمدی حکومت	۲/۶۲ (۱/۵۳)
<i>regulatory</i> : کیفیت قانونگذاری	۵/۳۶ (۱/۶۸)
<i>voice</i> : پاسخگویی	۱/۰۶ (۲/۲۵)
ضریب تعیین	۰/۵۸

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مدل تصریح شده فوق، تمام ضرایب از علائم مورد انتظار برخوردار هستند (طبق انتظار توریک می‌باشند) و از لحاظ آماری نیز کلیه متغیرها در سطح معنی داری قابل قبولی گزارش شده‌اند. با این حال، ضریب تعیین مدل در حدود ۵۸ درصد برآورد شده که بیانگر این است که حدود ۴۲ درصد رشد اقتصادی کشورهای منطقه توسط عوامل دیگری توضیح و تبیین می‌شوند. در توجیه پایین بودن ضریب تعیین مدل نیز باید براساس نتایج مطالعات صورت گرفته به این واقعیت اشاره نمود که وجود منازعات و چالش‌های درونی و منطقه‌ای موجب گردیده که ریسک فعالیت‌های اقتصادی در منطقه بالا باشد که یکی از عوامل اصلی بازدارنده رشد در منطقه به شمار می‌رود. درضمن، اتکای غالب کشورهای منطقه به صادرات تک محصولی به‌ویژه نفت و تحولات ژئوپولوتیک نیز بر نوسانات مکرر رشد و بی‌ثباتی اقتصادی کشورهای منطقه مزیدعلت بوده است. لذا باید گفت که در کنار عوامل اقتصادی اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه، بخش عمده‌ای از تغییرات رشد در این کشورها تابع تحولات سیاسی و امنیتی منطقه و حتی بین‌المللی است، به‌گونه‌ای که موقعیت ژئوپولوتیک و ژئواکونومیک منطقه موجب گردیده که با ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و بحران‌های اقتصادی و مالی و همچنین رشد اقتصادی و متعاقب آن تقاضا برای انرژی در سایر نقاط جهان، رشد و توسعه

اقتصادی منطقه بشدت و به‌سرعت تحت‌تاثیر قرار بگیرد.

با این اوصاف، به دلیل اینکه هدف مقاله بر بررسی نقش حکمرانی خوب و فساد بر رشد و توسعه اقتصادی متمرکز بوده، لذا تنها رشد کشورهای منطقه تابعی از این نماگرهای حکمرانی خوب و برخی از شاخص‌های اقتصادی به عنوان متغیرکنترل در نظر گرفته شد و از بررسی کلیه علل سیاسی و تحولات ژئوپولوتیک، بحران‌های مالی و همچنین رشد و نوسانات شدید تقاضای انرژی که بر رشد کشورهای منطقه اثرگذارند، صرفنظر شد.

در مجموع، نتایج به‌دست آمده از برآورد الگوی رشد درخصوص نماگرهای حکمرانی خوب تأکیدی بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه است به‌گونه‌ای که بهبود یک درصدی نماگرهای کنترل فساد، ثبات سیاسی، کارآمدی حکومت، کیفیت قانونگذاری و پاسخگویی در بین کشورهای منطقه به‌ترتیب به‌طورمتوسط در حدود ۰/۶۵ درصد، ۵/۳۸ درصد، ۲/۶۲ درصد، ۵/۳۶ درصد و ۱/۰۶ درصد رشد اقتصادی آن‌ها را افزایش داده است.

همچنین نتایج تخمین برای متغیرهای کنترل بیانگر این است که اولاً همان‌طور که انتظار می‌رفت افزایش حجم سرمایه‌های خارجی به کشورهای منطقه در افزایش رشد اقتصادی آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود، به‌طوری‌که افزایش یک درصدی این متغیر (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) حدود ۰/۲۳ درصد رشد اقتصادی این کشورها را بالا خواهد برد. درضمن، نتایج در طی دوره مذکور نشان از این دارد که افزایش سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) نیز باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه شده است، به‌گونه‌ای که طبق نتایج به‌دست آمده از تخمین، افزایش یک درصدی نرخ این شاخص در بین کشورهای منطقه حدود ۰/۱۸ درصد رشد اقتصادی کشورهای منطقه را بهبود بخشیده است که تأکیدی بر نقش انباشت تولید و ثروت در بهبود رشد و توسعه اقتصادی کشورها است.

## جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود و با توجه به هدف‌گذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مقوله رشد همواره با متون اقتصادی عجین بوده و مطالعات متعددی درخصوص مدل‌های رشد اقتصادی طی دهه‌های گذشته و اخیر انجام شده است. به طوری که در خصوص تبیین علل رشد از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهم‌ترین عوامل رشد آغاز شده و بتدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رانت و فساد و ... کامل‌تر شده است.

با این وجود، تفاوت‌های چشمگیر در عرصه رشد اقتصادی کشورها، لزوم بازنگری و تکمیل نظریه‌های موجود را ضروری دانسته و مطالعات متعددی درخصوص معرفی الگوهای جدید رشد در حال انجام است. آنچه در دهه اخیر مطرح شده، نقش موثر حکمرانی خوب با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت‌ها، حاکمیت و کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولت‌ها در الگوهای رشد است. به طوری که شواهد تجربی نشان از این دارند که خصوصی‌سازی و ایجاد «دولت حداقل» به تنهایی نمی‌تواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد و ضروری است در کنار کوچک‌سازی حجم فعالیت‌های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی الزامات و سیاست‌ها از قبیل شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات‌زدایی و حاکمیت قوانین مصوب در کنار سیاست کوچک‌سازی دولت اتخاذ گردد.

با توجه به اهمیت موضوع، در مقاله حاضر سعی گردید به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب با تمرکز بر کنترل فساد پرداخته شود. به این منظور، مبانی نظری و مطالعات تجربی مرتبط با حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی معرفی گردید و با معرفی الگوی رشد مشتمل بر متغیرهای اقتصادی کنترلی و نماگرهای شاخص حکمرانی خوب، این مدل تخمین زده شد که

نتایج به دست آمده از برآورد الگو بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین اجزای شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه تاکید دارد و می‌توان اذعان نمود که اجرای سیاست‌ها و راهبردهای تحقق حکمرانی خوب موجب افزایش رشد اقتصادی کشورها خواهد گردید.

در مجموع باید گفت که پیاده‌سازی بسته سیاستی تحقق حکمرانی خوب و بسترسازی برای اجرای اصلاحات سیاسی، قضایی، اداری و مدیریتی، بهبود سیاست‌های اقتصادی و توسعه نهادهای مدنی در قالب این بسته، قادر است با کنترل و مقابله با افزایش فساد، رانت، بهبود فضای کسب و کار و تامین امنیت سیاسی و اقتصادی موجبات رشد و توسعه کشورها را فراهم نماید. همچنین، برای کشور ایران که به دنبال کسب قدرت اول اقتصادی منطقه در افق بیست ساله ۱۴۰۴ می‌باشد و به این منظور نیز در حال پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و کوچک‌سازی حجم فعالیت‌ها و دخالت‌های دولت است، اجرای بسته سیاستی حکمرانی خوب بسیار حائز اهمیت است، چراکه موفقیت در خصوصی‌سازی در گرو اصلاحات اساسی در حوزه‌های اقتصادی، اداری و مدیریتی، قضایی، بسترسازی برای تامین امنیت سیاسی، گسترش نهادهای مدنی، کاهش فساد و رانت و انحصارات و شفاف‌سازی و بهبود فضای کسب و کار است.

### پی‌نوشت

1. Public Administration.
2. New Public Services.
3. Good Governance.
4. میدری، ۱۳۸۵.
5. عباسی، ۱۳۸۸.
6. Christopher Hood.
7. Douglass North.
8. Joseph Stiglitz.

۹. منوریان، ۱۳۷۹.

۱۰. میرزاابراهیمی، ۱۳۸۵.

۱۱. مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۸۷.

۱۲. گلشن و همکاران، ۱۳۸۶.

## منابع

تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، ج ۱، صص ۲۹-۲۵.

تری، جان، تغییر دیدگاهها در اقتصاد توسعه، ترجمه جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، شماره ۱، ۱۳۸۵.

رهبر، فرهاد، میرزاوند، فضل الله و زال پور، غلامرضا، بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد تهران، تهران، موسسه نشر جهاد، ۱۳۸۱.

عباسی، منصوره، چالش‌ها و الزامات خصوصی‌سازی و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۸.

قلی‌پور، رحمت، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۸۴.

نجارزاده، رضا و وحید شقاقی‌شهری، «همگرایی منطقه‌ای، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، مجله پژوهش‌های اقتصادی، ۳۶۲-۳۳۷، ۱۳۸۶.

متوسلی، محمود، خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.

مهدوی عادل، محمدحسین، محمدحسین حسینی‌زاده‌بحرینی، افسانه جوادی، «تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.

میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳.

میدری، احمد، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، مجله رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.

Bardhan, P., "Corruption and Development: A review of issues", *Journal of Economic Literature*, XXXV/3: 1320-1346, 1997.

Barro, Robert, J., "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *the Quarterly Journal of Economics*, Vol.98, p.s103-s125, 1989.

15.Voice and Accountability.

16.Government Effectiveness.

17.Regulatory Quality.

18.Rule of Law.

19.Control of Corruption.

20.Political Stability.

21.Kaufman et al, 2006.

22.World Bank, 2003.

23.World Bank, 2000.

24.Kaufman.

۲۵. برگرفته از «راهبرد ضدفساد مالی «چندبعدی» بانک جهانی

برای توسعه اقتصادی کشورها» است. بسته سیاستی

راهبردهای مبارزه با فساد با رویکرد تحقق حکمرانی خوب

از سوی بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ برای تعدادی از

کشورهای روبه توسعه و توسعه نیافته توصیه گردید.

۲۶. میدری، ۱۳۸۵.

27.Kaufmann and Siegelbaum, 1997.

28.Williamson, 2003.

۲۹. تری، ۱۳۸۵.

30.Stiglitz,1998,1999.

31.Mauro, Paolo 1997, 1995, 2002.

32.Tanzi and Davoodi, 1997.

33.Bardhan, 1997.

34.Tanzi, 1994.

35.Kaufmann and Kraay, 2003.

36.Knack, 2002.

37.Solow, R. 1956.

38.Lucas.R.E.Jr, 1988.

۳۹. نجارزاده و شقاقی‌شهری، ۱۳۸۶.

۴۰. کشورهای آسیای جنوب غربی شامل کشورهای ذیل

می‌باشند که درمقاله حاضر براساس داده‌ها و اطلاعات

موجود، نمونه ۲۲ کشوری انتخاب شده‌اند:

۱- ایران ۲- قزاقستان ۳- عربستان ۴- پاکستان ۵- ترکیه

۶- افغانستان ۷- یمن ۸- ترکمنستان ۹- ازبکستان

۱۰- عراق ۱۱- عمان ۱۲- قرقیزستان ۱۳- سوریه

۱۴- تاجیکستان ۱۵- اردن ۱۶- آذربایجان ۱۷- امارات

متحدہ عربی ۱۸- گرجستان ۱۹- ارمنستان ۲۰- فلسطین

- WP/02/213, International Monetary Fund, 2002.
- Rose – Ackerman, Rose, "Corruption. A Study in Political Economy", *American Political Science Review*, Vol.61, No.2, pp.417-427. 1978.
- Solow, R. "A Contribution to the Theory of Economic Growth", *The Quarterly Journal of Economics*, 70, 56-94, 1956.
- Stiglitz, J, Towards a New Paradigm for Development: Strategies, Policies and Processes, 1998.
- Stiglitz, J, Participation and Development Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm, 1999.
- Tanzi, V., Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures, IMF Staff Papers, 45(4), 1998.
- Tanzi, Vito and Hamid Davoodi, Corruption, Public Investment and Growth, IMF Working Paper 97/139, 1997.
- Transparency International, 2007 Corruption Perception Index 2007, [www.Transparency.de/index.html](http://www.Transparency.de/index.html)
- UNESCAP (2002), What is Good Governance, available at: <http://www.Unscap.org/hunset/gg/governance>
- Williamson, O, From Reform Agenda to Damaged Brand Name, *Finance & Development*, September 2003, pp 10-13.
- Williamson, O, "The Economics of Governance", *Journal of Economic perspectives*, 2005.
- World Bank, Helping countries combat corruption. Progress at the World Bank since 1997, Operational Core Services and Poverty Reduction and Economic Management Network. Washington DC: World Bank.
- World Bank, Better Governance for Development in the Middle East and North Africa [www.worldbank.org/wbi/governance](http://www.worldbank.org/wbi/governance), 2003.
- Farazmand, Ali, From Government to Governance, paper presented in world conference on governance, Philippines, 31 May-4 June 1999.
- Huther. Jeff and Shah. Anvar, Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization, World Bank Group, Washington, DC, 2002.
- Kaufmann, Daniel and Paul Siegelbaum, "Privatization and Corruption in Transition Economics", *Journal of International Affairs*, 1997.
- Kaufmann, Daniel in Kraay, Aart, "Growth without Governance", *Economia, The Journal of the Latin American and Caribbean Economic Association*, 3(1):169-215, 2002.
- Knack, S., Governance and Growth: Measurement and Evidence, Paper prepared for the Forum Series on the Role of Institution in Promoting Growth, IRIS Center and USAID, Washington DC, February 2002.
- Lambsdorff, Johann Graf, Corruption in International Research- a Review, Transparency International Working Paper, Berlin. [www.Transparency.de](http://www.Transparency.de) [10.11.00], 1999a.
- Lucas, R.E.Jr, "On the Mechanics of Economic Development", *Journal of Monetary Economics*, 22 July.3-42, 1988.
- Mauro, P., "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 110, 1995, pp. 681-712.
- Mauro, P., "Corruption and the Composition of Government Expenditure", *Journal of Public Economics*, Vol. 69, 1998, pp. 263-279
- Mauro.P. The Effects of Corruption on Growth, Investment and Government Expenditure: A Cross-Country Analysis. In Kimberly and Elliot editor. *Corruption in the Global Economy* (Washington Institute for International Economics), 1997.
- Mauro, Paolo, The Persistence of Corruption and Slow Economic Growth, IMF Working Paper